

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس جهت‌گیری در رابطه جنسی*

Psychometric Examination of the Sexual Relationship Scale (SRS)

M. Heidari, Ph.D.

دکتر محمود حیدری

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

Kh. Zalpour

خدیدجه زال‌پور

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی کودک

A. Molaii

اعظم مولائی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی کودک

دریافت مقاله: ۸۹/۶/۱۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۱۰/۲۸

پذیرش مقاله: ۸۹/۱۱/۱۷

Abstract

Marriage is defined as a sexual, emotional and economic partnership that is socially and/or legally sanctioned. Sexual behavior is an important aspect of marital satisfaction. Sexual relationship can be communal, or exchangenal. The aim of this study is to evaluate the psychometric properties of sexual relationship scale.

چکیده:

ازدواج به عنوان رابطه عاطفی، جنسی و اقتصادی بین زن و مرد تعریف شده که مورد تأیید اجتماع، شرع و قانون است. رفتار جنسی، جنبه مهمی از کیفیت زندگی زناشویی است. هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس رابطه جنسی در نمونه ایرانی است.

* این پژوهش با استفاده از اعتبارات پژوهشی هسته مطالعات مقیاس-سازی و سنجش خانواده دانشگاه شهید بهشتی (Shahid Beheshti University, G. C.) به شماره قرارداد ۶۰۰/۸۱۱۷ مورخ ۱۳۸۸/۴/۳۱ انجام شده است.

Corresponding Author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, G. C., Tehran
Tel: +9821-29902429
Email: mahmood.heidari@gmail.com

نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۴۲۹
پست الکترونیک: mahmood.heidari@gmail.com

This research is a descriptive-correlational study with a random sampling of 121 couples to investigate the construct validity, 21 persons (10 females) with marital problems to examine the differential validity and 30 persons (15 females) for test-retest reliability. The sum of samples is 293. Original Sexual Relationship Scale (24 items) and Sexual Relationship Subscale from ENRICH Questionnaire (10 items) were administered. Collected data were analyzed using exploratory factor analysis, MANOVA, Pearson Correlation, and Chronbach Alpha. Exploratory factor analysis supported a 3-factor (17 items from 24 original items) solution namely "communal orientation," "exchangeal orientation," and "demand". MANOVA shows a significant difference ($p < 0.001$) between the normal group and the group suffering from marital problems in "exchangeal orientation". Correlation between "communal orientation" and sexual relationship scale from ENRICH questionnaire was found to be 0.92. The results provide further support for the differential, and convergent validity of the SRS. Chronbach's Alpha for the factors ranged from 0.81 to 0.90. Test-retest reliability was between 0.92 and 0.96, supporting the reliability of the SRS. The 17-item SRS was found a useful scale for research on marital satisfaction, for professionals to help those in need choose an appropriate marriage therapy method.

Keywords: sexual relationship, couples, communal orientation, exchangeal orientation, demand.

در مرحله بررسی روایی سازه، نمونه پژوهش شامل ۱۲۱ زوج عادی است که با روش خوشه‌ای تک مرحله‌ای انتخاب شدند. در مرحله بررسی روایی توافقی و پایایی نیز به ترتیب ۲۱ نفر (۱۰ زن و ۱۱ مرد) واجد مشکلات زناشویی و ۳۰ نفر (۱۵ زن و ۱۵ مرد) با روش در دسترس و داوطلبانه انتخاب و ابزار پژوهش بر روی آن‌ها اجرا شد. داده‌های جمع‌آوری شده با روش‌های آماری تحلیل عوامل اکتشافی، تحلیل واریانس چند متغیره، ضریب همبستگی پیرسن و آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی داده‌های جمع‌آوری شده نشان داد که ۱۷ ماده از مقیاس بر روی سه عامل جهت‌گیری مشارکتی، جهت‌گیری مبادله‌ای و توقع بار عاملی دارند. مقایسه گروه واجد مشکلات زناشویی با گروه عادی نشان داد که گروه واجد مشکلات زناشویی به‌طور معناداری در جهت‌گیری مبادله‌ای بالاتر از گروه افراد عادی هستند. همبستگی عامل جهت‌گیری مشارکتی با مقیاس روابط جنسی از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ۰/۹۲ است. این نتایج مؤید روایی سازه، افتراقی و توافقی مقیاس رابطه جنسی است. نتایج نشان دادند که مقیاس رابطه جنسی از همسانی درونی (۰/۸۱ تا ۰/۹۰) و پایایی (۰/۹۲ تا ۰/۹۶) مطلوبی برخوردار است. مقیاس ۱۷ ماده‌ای روابط جنسی در پژوهش‌های مربوط به رضایت زناشویی کاربرد دارد و می‌تواند در موقعیت‌های مشاوره‌ای و انتخاب روش‌های زوج‌درمانی مناسب مفید باشد.

کلیدواژه‌ها: رابطه جنسی، زوجین، جهت‌گیری مشارکتی، جهت‌گیری مبادله‌ای، توقع

مقدمه

ازدواج به عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی افراد همواره مورد تأیید بوده است. ازدواج رابطه‌ای انسانی، پیچیده و بسیار ظریف است. دلایل اصلی ازدواج عمدتاً عشق، محبت، داشتن شریک و همراه در زندگی، ارضاء نیازهای عاطفی - روانی و افزایش شادی و خشنودی است (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۰). ازدواج به عنوان رابطه عاطفی، جنسی^۱ و اقتصادی بین زن و مرد تعریف شده که مورد تأیید شرع و قانون است و تعهد نسبت به یکدیگر یک جنبه کلیدی در این رابطه چند بعدی است (جانسون، ۱۹۹۹). رابطه جنسی هم به لحاظ عاطفی و هم به لحاظ جسمی عاملی قوی و تعیین کننده در زندگی زناشویی است (لومان، کانون، میشل، و میشلز، ۱۹۹۴) و صمیمت در روابط جنسی یکی از شاخص‌های نزدیکی در روابط و شاخص قدرتمند عشق است (سادرین، ۱۹۹۹). گرایش به فعالیت جنسی صرفاً تحت تأثیر علل زیست‌شناختی و غریزه تولید مثل نیست. از جمله تفاوت‌های انسان با حیوانات گرایش به فعالیت‌های جنسی بدون هدف تولید مثل است. انسان به رابطه جنسی به عنوان وسیله ارتباط و راهی برای ابراز انواع متفاوتی از هیجانات مانند صمیمیت، عشق، خشم و پرخاشگری توجه می‌کند (باراش، و لیپتون، ۲۰۰۲). هرچند انسان‌ها در طول زندگی خود و در تمام اعصار تمایلات جنسی را تجربه کرده‌اند ولی تجربه جنسی امری شخصی و خصوصی است و افراد تفکرات و احساسات منحصر به فرد خود را در این زمینه دارند (مستر، جانسون، کلونیدی، ۱۹۹۵).

مؤلفین عقیده دارند در پژوهش‌های مربوط به رفتار جنسی به تأثیر آن در زندگی زناشویی کمتر توجه شده، زیرا فعالیت جنسی در ازدواج به لحاظ اجتماعی تأیید و رابطه جنسی جزء تفکیک‌ناپذیر ازدواج است. از این‌رو اغلب به روابط جنسی عنوان پدیده‌ای که می‌تواند موجب پیامدهای منفی در ازدواج باشد، نگاه کرده نمی‌شود. با وجود این، پژوهش‌هایی مانند پژوهش مستر و همکاران (۱۹۹۵) رابطه بین رضایت زناشویی و رضایت جنسی را مورد مطالعه قرار داده و معتقدند که رابطه رضایت جنسی و رضایت زناشویی دو طرفه است و بر یکدیگر اثر متقابل دارند. آن‌ها معتقدند افراد، احساس و قضاوت خاص خود را در مورد زندگی زناشویی و جنسی دارند که برای فهم آن نیاز به بررسی‌های ویژه است. هاوتون (۱۹۸۵) اظهار می‌کند که ناهماهنگی در روابط، عدم علاقه یا وجود خشم و رنجش در بین زوجین تأثیرات منفی‌ای بر رضایت جنسی آن‌ها دارد. علاوه بر این، خصومت، خشم، بی‌اعتمادی، پریشانی، مشکل در بیان نیاز جنسی از عوامل منفی مداخله‌کننده در روابط جنسی هستند. بر اساس آمار منتشره از مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۴۶ نیز علت یازده درصد طلاق زنان و سیزده درصد طلاق مردان عدم توافق در روابط جنسی بوده و در همان سال این آمار در انگلستان پنجاه درصد گزارش شده است (واحدی، ۱۳۴۷؛ به نقل از غدیری و فروتن، ۱۳۸۷). در سال‌های گذشته درصد بالایی از طلاق‌هایی که در دادگاه خانواده به بهانه‌های مختلف

صورت می‌گیرند ریشه در مسائل جنسی دارند، آمار واقعی نیز به نظر می‌رسد بیش از مقداری است که اعلام می‌شود چرا که عوامل مختلفی از جمله شرم و حیا غالباً مانع از طرح مسائل جنسی به عنوان دلیل تقاضای طلاق است (غدیری و فروتن، ۱۳۸۷). نتایج پژوهش حیدری و حسین‌پور (۱۳۸۵) نشان داد که نوبت کاری از طریق محدود کردن ارتباط زوجین و تأثیر آن بر رابطه جنسی، و نظارت مالی موجب تأثیر منفی بر رضامندی زناشویی پرستاران شب‌کار می‌شود. رحمانی، مرقاتی‌خوئی و اللهقلی (۲۰۱۰) در پژوهش خود روی ۲۹۲ مرد و زن ۱۹ تا ۵۸ ساله نشان دادند رضایت زناشویی رابطه معناداری با رضایت جنسی دارد. لومان، پایک، گلاسر، کانگ، وانگ، لوینسون و همکاران (۲۰۰۶) نیز در یک نمونه ۲۷۰۰۰ نفره از زنان و مردان نشان دادند که رضایت از رابطه جنسی پیش‌بینی‌کننده قوی شادکامی در زندگی زنان و مردان است.

حیدری، مظاهری و پوراعتماد (۱۳۸۴) در پژوهش خود نشان دادند، افزایش کمال‌گرایی جنسی در مردان با افزایش احساسات مثبت نسبت به همسر همراه است، ضمن این‌که پیش‌بینی‌کننده احساسات مثبت همسران‌شان نیز است. مک‌گاورن (۲۰۰۲) می‌گوید، با توجه به ارتباط نقش جنسی و سازگاری زناشویی، در شرایطی که کمال‌گرایی جنسی زن بالا باشد کمال‌گرایی جنسی مرد می‌تواند موجب احساسات مثبت زن نسبت به همسر خود شود. رینود و بایرز (۱۹۹۷) روابط جنسی و عوامل مرتبط با رضایت جنسی زوجین چینی را بررسی کرد. نتایج نشان دادند که رضایت ارتباطی^۲ بالاتر، با سطوح بالاتر رضایت جنسی و رضایت جنسی بالاتر با فراوانی بیشتر رفتار جنسی و مهربانی ارتباط دارند. همچنین نتایج وی نشان داد که در مقایسه با مردان مشکلات جنسی زنان نقش بیشتری در رضایت از روابط، بازی می‌کند. پژوهش پاتون و وارینگ (۱۹۸۵) نشان داد مفهوم صمیمیت در بین زنان و شوهران متفاوت است. آنان اظهار کردند که مردان بیشتر احتمال دارد که روابط جنسی را جدای از روابط زناشویی‌شان بدانند در حالی‌که زنان درجه ارضاء جنسی را بیشتر با صمیمیت زناشویی‌شان مرتبط می‌دانند. نتایج پژوهش ترودل (۲۰۰۲) نشان می‌دهد، زنان نسبت به مردان بیشتر به زندگی زناشویی اهمیت می‌دهند تا رفتار جنسی.

هرچند بعضی فعالیت جنسی را به عنوان بخشی از زندگی آدمی و به‌طور کلی عملی ذاتی می‌دانند (سادرن، ۱۹۹۹). بعضی دیگر معتقدند علاوه بر پایه‌های زیستی، فعالیت جنسی رفتاری متأثر از یادگیری و شکل گرفته توسط فرهنگ است. تنوع تجربیات جنسی، عوامل فرهنگی و اهمیت فعالیت جنسی در نزد افراد از جمله عوامل مؤثر بر روابط جنسی است (برد، و ملدوید، ۱۹۹۴). ادبیات پژوهشی مرتبط با روان‌شناسی رفتار جنسی بر اهمیت تفاوت زنان و مردان در رابطه با نگرش در مورد رفتار جنسی تأکید دارد. مردان و زنان باورهای متفاوتی در مورد فعالیت جنسی و هیجانانگیز بودن آن دارند. تعدادی از پژوهشگران عنوان کرده‌اند که مردان به‌طور نسبی یک رویکرد تفریحی به روابط جنسی دارند، رویکردی که در آن تأکید بر لذت است. در مقابل رویکرد زنان به روابط

جنسی نگرشی ارتباطی است، نگرشی که تأکید آن بر صمیمیت است (بیرنهام، ریس، میکالینسر، زیلیس، و اورپاز، ۲۰۰۶؛ اشاچنر، و شیور، ۲۰۰۴؛ هیل، ۲۰۰۲؛ کوهن، و اسکاتلند، ۱۹۹۶؛ دلامیتر، ۱۹۸۷). خمسه‌ای (۱۳۸۵) بیان می‌کند که نتایج فراتحلیل تعدادی از پژوهش‌ها نشان داده است که مردان و زنان از لحاظ انگیزش‌های مربوط به ارتباط جنسی با یکدیگر متفاوتند. مردان بر اساس کلیشه‌های فرهنگی بیشتر به جنبه جسمانی رابطه علاقمند هستند و نگرش سطحی‌تر به این رابطه دارند. در حالی که زنان به احساسات عاشقانه بیشتر توجه دارند و به جنبه‌های بین فردی رابطه بیشتر از جنبه‌های جسمانی آن توجه دارند.

رفتار جنسی، جنبه مهمی از کیفیت زندگی زناشویی است. رفتار جنسی ترکیبی از مفاهیم، نگرش‌ها، تجربه‌ها، فعالیت‌ها، احساسات و اندیشه‌های همراه است (دنرشتاین^۳، ۲۰۰۱؛ به نقل از خمسه‌ای، ۱۳۸۵). جهت‌گیری در روابط جنسی می‌تواند مبادله‌ای^۴ یا مشارکتی^۵ باشد. کلارک و میلز (۱۹۷۹) نظریه جهت‌گیری در روابط را ارائه دادند که بر پایه حاکمیت قاعده داد و ستد و منفعت بود. جهت‌گیری مبادله‌ای در رابطه این‌گونه تعریف شده است که فرد آن‌چه را می‌دهد انتظار دارد حداقل همان را پس بگیرد. در جهت‌گیری مبادله این‌گونه تصور می‌شود که در یک رابطه، طرف مقابل هر چه را بدست آورده، مقروض است و باید به‌طور مناسب و حداقل برابر پس دهد. نظریه مبادله اجتماعی می‌کوشد تا انگیزه‌های افراد برای تداوم یا قطع روابط را بر مبنای هزینه‌ها، پاداش‌ها و مبادلات ارتباطی توصیف نماید. در اصل، این نظریه می‌گوید مردم به دنبال روابطی هستند که در آن پاداش بیش از هزینه باشد. در مقابل جهت‌گیری مبادله‌ای، جهت‌گیری مشارکتی است. میلر و کلارک جهت‌گیری مشارکتی را این‌گونه تعریف کرده‌اند، در جهت‌گیری مشارکتی علت برقراری رابطه علاقمندی به رفاه و رضایت همسر است، و فرد خواهان افزایش پاداش‌های مشترک است. اما در جهت‌گیری مبادله‌ای، افراد به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که پاداش‌های فردی را افزایش دهند. در جهت‌گیری مشارکتی فرد از تفکر «این به خاطر آن» فاصله می‌گیرد تا بر «ما بودن» تأکید نماید (آن‌چه برای تو خوب است برای من هم خوب است). در نگرش مشارکتی، فرد به خاطر دیگری و بدون پیش‌بینی مقدار پاداشی که در رابطه دریافت می‌کند، سرمایه‌گذاری هیجانی می‌کند. فردی با جهت‌گیری مشارکتی ممکن است به پاداش‌ها و هزینه‌ها نیز توجه نماید اما کمک کردن به طرف مقابل برای ارضای نیازها را بیش از آن که هزینه‌بر بدانند، پاداش‌دهنده می‌داند. برای وی سود و زیان در عشق و احساس بی‌اهمیت هستند. سود و زیان رابطه با چیزهای جایگزین مقایسه نمی‌شود چرا که بدون عشق و حس ما بودن، بی‌معنا هستند. افرادی که در رابطه جنسی‌شان جهت‌گیری مشارکتی دارند، در قبال رضایت جنسی همسرشان و رفاه وی احساس مسئولیت می‌کنند و مایلند که امیال و نیازهای شریک جنسی خود را برآورده سازند. علاوه بر این فردی که رویکرد مشارکتی در مورد روابط جنسی را برمی‌گزیند انتظار دارد که متقابلاً همسرش به نیازهای جنسی او حساس و

پاسخگو باشد. در مقابل، افرادی که دیدگاه آن‌ها در مورد روابط جنسی بر اساس جهت‌گیری مبادله‌ای است، نه احساس مسئولیت خاصی در مقابل رضایت و تأمین جنسی همسر خود دارند و نه احساس نیاز ذاتی یا میل به هماهنگی برای برآورده ساختن تمنیات جنسی همسر خود دارند بلکه آن‌ها زمانی وارد روابط جنسی می‌شوند که خود از آن بهره ببرند و یا انتظار مقابله به مثل در آینده داشته باشند. جهت‌گیری مبادله‌ای به رابطه جنسی اغلب در برگیرنده نوعی التزام و بدهی است. افرادی که چنین دیدگاهی در رابطه جنسی دارند اغلب نگران این هستند که در رابطه جنسی چه می‌دهند و چه می‌گیرند و این که این مبادله‌ای برابر است یا نه.

هاگز و اسنل (۱۹۹۰) برای اندازه‌گیری دو جهت‌گیری مشارکتی و مبادله‌ای مقیاسی با ۲۴ ماده ارائه دادند. تحلیل عوامل مقیاس رابطه جنسی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان داد که ماده‌های مقیاس رابطه جنسی دو خوشه مجزا را تشکیل می‌دهند. بررسی‌های انجام شده نشان داد، مردان به طور معناداری نمرات بالاتری در زیرمقیاس رویکرد مبادله‌ای دارند اما تفاوت معناداری در مردان و زنان در رویکرد مشارکتی وجود ندارد. همبستگی معنادار مقیاس رابطه جنسی با مقیاس‌های جهت‌گیری مشارکتی و جهت‌گیری مبادله‌ای کلارک نشان‌دهنده روایی توافقی^۶ مقیاس رابطه جنسی بود. در زنان همبستگی مثبت و معناداری بین زیرمقیاس مشارکتی و مقیاس جهت‌گیری جمعی بود و در کل نمونه همبستگی مثبت و معناداری بین زیرمقیاس جهت‌گیری مبادله‌ای و مقیاس جهت‌گیری مبادله‌ای کلارک و میلز وجود داشت. مقیاس رابطه جنسی با رضایت از رابطه، همبستگی داشت. با توجه به تأثیر جهت‌گیری در روابط جنسی بر سازگاری و ثبات زندگی زناشویی و نیز تأثیرات منفی طلاق بر افراد، کودکان و جامعه، هدف پژوهش حاضر آماده‌سازی و مناسب‌سازی مقیاس مذکور برای جامعه ایرانی و بررسی روایی و پایایی^۷ مقیاس در جامعه مورد مطالعه است.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش عبارتند از کلیه افراد ساکن تهران که در دهه اول زندگی زناشویی خود قرار دارند و دارای حداقل ۸ کلاس سواد هستند. با توجه به این که، ماده‌های مقیاس اصلی طوری تنظیم گردیده که برای افرادی که به صورت هم‌خانگی با یکدیگر زندگی می‌کنند، مناسب باشد. در ترجمه به زبان فارسی سعی گردید که جملات متناسب با فرهنگ و برای زوجین مناسب باشد. پس از نظرسنجی از ۵ متخصص زوج‌درمانی در مورد روایی صوری و مفهومی، مقیاس آماده شده برای بررسی مفهوم بودن ماده‌ها در یک نمونه ۳۰ نفره در دسترس از مردان و زنان اجرا شد. پس از اطمینان از مفهوم بودن ماده‌ها، در مرحله بعد متناسب با تعداد ماده‌های مقیاس تعداد ۲۵۰ نفر (۱۲۵ زوج) به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. با توجه به این که لازم بود پاسخ‌دهندگان بدون

بازداری، به سؤالات مربوط به روابط جنسی خود در زندگی زناشویی‌شان پاسخ دهند، نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای و از بین والدین کودکان ۵ مهد کودک از ۵ منطقه جغرافیایی در سطح شهر تهران انجام شد که بعد از توجیه و کسب رضایت شرکت‌کنندگان، ابزار پژوهش بر روی آنان اجرا گردید. پرسشنامه‌های ۴ زوج به دلیل مخدوش بودن کنار گذاشته شد، بنابراین از ۲۴۲ پرسشنامه در تحلیل عاملی استفاده گردید. برای بررسی پایایی، مقیاس آماده شده در یک نمونه ۳۰ نفره (۱۵ زن و ۱۵ مرد) با فاصله ۱۵ روز دوبار اجرا گردید. برای بررسی روایی افتراقی نیز از ۲۱ نفر (۱۰ زن و ۱۱ مرد) که به دلیل اختلافات زناشویی به ۳ مرکز مشاوره در سطح شهر تهران مراجعه کرده بودند، خواسته شد که به مقیاس روابط جنسی پاسخ دهند. از بین افراد شرکت‌کننده در مرحله بررسی روایی سازه مقیاس تعدادی که از نظر متغیرهای جمعیت‌شناسی مانند سن، تحصیلات، طول مدت ازدواج و تعداد فرزندان به‌طور دو به دو با افراد دارای اختلاف زناشویی معادل بودند برای مقایسه با آنان انتخاب شدند. بنابراین به غیر از مرحله بررسی مفهوم بودن ماده‌های مقیاس، تعداد شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۹۳ نفر است.

ابزارهای پژوهش

در پژوهش حاضر از مقیاس رابطه جنسی (هاگز، و اسنل، ۱۹۹۰)، و مقیاس «روابط جنسی» در پرسشنامه رضایت زناشویی موسوم به انریچ^۸ (اولسون، ۱۹۸۹) استفاده شد.

مقیاس رابطه جنسی: توسط هاگز و اسنل در ۱۹۹۰ ارائه گردید و دارای ۲۴ ماده است که بر روی طیف لیکرتی ۵ درجه‌ای از «اصلاً توصیف من نیست» تا «خیلی مرا توصیف می‌کند» پاسخ داده می‌شود که برای پاسخ‌گویی ۱۰ تا ۱۵ دقیقه وقت می‌گیرد. نمره صفر برای پاسخ «اصلاً توصیف من نیست»، ۱ برای «کمی توصیف من است»، ۲ برای «تا حدی توصیف من است»، ۳ برای «تقریباً توصیف من است» و ۴ برای «کاملاً توصیف من است»، در نظر گرفته شده است. مقیاس رابطه جنسی دارای ۲ زیرمقیاس است که هر یک ۸ ماده دارند. زیرمقیاس‌ها عبارتند از: «جهت‌گیری مبادله‌ای» و «جهت‌گیری مشارکتی». نمره بالاتر در هر زیرمقیاس نشان‌دهنده میزان گرایش بیشتر فرد به آن نوع جهت‌گیری در رابطه جنسی است. همسانی درونی^۹ گزارش شده برای دو زیرمقیاس نشان‌دهنده همسانی درونی مناسب مقیاس است. برای زیرمقیاس مشارکتی آلفا ۰/۷۸ و برای زیرمقیاس مبادله‌ای ۰/۶۷ گزارش شده است (هاگز، اسنل، ۱۹۹۰).

پرسشنامه انریچ: توسط اولسون در ۱۹۸۹ ساخته شده است. این پرسشنامه از ۱۲ مقیاس تشکیل شده که در ارتباط با زمینه‌های موجود در زندگی زناشویی است و می‌تواند بیان‌کننده مشکلات بالقوه زوجها بوده و زمینه‌های نیرومندی و تقویت آن را مشخص کند. مقیاس رابطه جنسی

در این پرسشنامه شامل ۱۰ ماده است که به صورت ۵ گزینه‌ای (همیشه تا هیچ وقت) پاسخ داده می‌شود. اولسون، فورنیر و دراگمن (۱۹۸۹) همسانی درونی زیرمقیاس رابطه جنسی را ۰/۹۰ گزارش کردند. حیدری و حسین پور (۱۳۸۵) نیز همسانی درونی مقیاس رابطه جنسی پرسشنامه انریچ را گزارش کرده‌اند. همسانی درونی مقیاس رابطه جنسی پرسشنامه انریچ در نمونه پژوهش حاضر نیز ۰/۷۶ است.

روش تحلیل داده‌ها

داده‌های پژوهش با روش‌های تحلیل عاملی اکتشافی، آلفای کرونباخ ضریب همبستگی پیرسن، و تحلیل واریانس چند متغیره، تحلیل آماری شدند.

یافته‌ها

نتایج نشان دادند که میانگین سن ۱۲۱ زوج شرکت‌کننده در پژوهش ۳۷/۶۶ با انحراف استاندارد ۷/۴۲ برای مردان و ۳۴/۱۷ با انحراف استاندارد ۶/۷۱ برای زنان است. میانگین مدت ازدواج در گروه نمونه ۸/۹۵ با انحراف استاندارد ۴/۳۵ است.

ماتریس همبستگی ۲۴ ماده مقیاس نشان داد که تعدادی از ماده‌ها دارای همبستگی کامل با یکدیگر هستند لذا امکان تحلیل عاملی بر روی کل مقیاس امکان نداشت. با بررسی ماده‌های مذکور با توجه به نظر متخصصین و این‌که کدام‌یک از این ماده‌ها به لحاظ فرهنگی برای جامعه هدف متناسب‌تر هستند تعداد ۷ ماده از مقیاس حذف گردید. با توجه به این‌که در شرایط جدید امکان تحلیل عاملی تأییدی مقیاس براساس ساختار عاملی مشخص شده قبلی وجود نداشت، از تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شد. بررسی آماری داده‌ها نشان داد، آزمون کفایت نمونه‌برداری^{۱۰} برابر با ۰/۸۲ و مقدار مجذورکای در آزمون کرویت بارتلت^{۱۱} برابر با ۵۶۴۲/۵۷ است که فرض صفر در سطح معناداری ۰/۱۰۰۰ رد می‌شود، لذا شرایط لازم برای تحلیل عاملی اکتشافی برقرار است. بررسی نمودار اسکری نشان داد که ۳ عامل با بار عاملی بیش از ۱ می‌توانند ۷۵/۵۸٪ از واریانس را تبیین کنند. با توجه به مفهوم ماده‌ها، عامل اول «جهت‌گیری مشارکتی» با ۱۰ ماده، عامل دوم «جهت‌گیری مبادله‌ای» با ۵ ماده، و عامل سوم با ۳ ماده به عنوان «توقع^{۱۲}» نام‌گذاری شدند. نتایج در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس روابط جنسی

عامل ۱ جهت‌گیری مشارکتی	بار عاملی	عامل ۲ جهت‌گیری مبادله‌ای	بار عاملی	عامل ۳ توقع	بار عاملی
ماده ۵	-۰/۹۵۸	ماده ۱۰	۰/۹۳۴	ماده ۱	۰/۹۵۳
ماده ۱۱	-۰/۹۴۵	ماده ۲	۰/۹۱۴	ماده ۶	-۰/۹۴۸
ماده ۱۵	-۰/۹۳۷	ماده ۵	-۰/۹۰۷	ماده ۱۷	۰/۷۷۰
ماده ۱۳	-۰/۹۳۴	ماده ۸	۰/۷۶۸		
ماده ۷	-۰/۹۱۹				
ماده ۹	۰/۹۱۰				
ماده ۳	۰/۷۴۱				
ماده ۱۲	-۰/۶۷۹				
ماده ۱۴	-۰/۶۴۴				
ماده ۱۶	۰/۶۳۸				

برای بررسی روایی توافقی مقیاس رابط جنسی، همبستگی سه عامل استخراج شده از مقیاس با زیرمقیاس روابط جنسی در پرسشنامه رضامندی زناشویی انریچ محاسبه گردید، نتایج در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: ضریب همبستگی عوامل سه‌گانه مقیاس رابطه جنسی

متغیر	شاخص	جهت‌گیری مشارکتی	جهت‌گیری مبادله‌ای	توقع
مقیاس روابط جنسی انریچ	ضریب همبستگی	۰/۹۲۱	-۰/۱۴۳	-۰/۱۷۷
	تعداد	۳۰	۳۰	۳۰
	سطح معناداری	<۰/۰۰۱	۰/۴۵	۰/۳۵

نتایج نشان می‌دهند، عامل جهت‌گیری مشارکتی با مقیاس روابط جنسی انریچ همبستگی بالا و معناداری دارد و همبستگی جهت‌گیری مبادله‌ای و توقع با مقیاس روابط جنسی انریچ معنادار نیست.

برای بررسی روایی افتراقی، داده‌های حاصل از اجرای مقیاس بر روی ۲۱ نفر از مردان و زنانی که مشکل زناشویی دارند با ۲۱ نفر از افرادی که مشکل زناشویی ندارند و به لحاظ جنس، سن، مدت ازدواج، میزان تحصیلات، و داشتن فرزند با گروه مقایسه، معادل شده‌اند، با تحلیل واریانس چند متغیره مقایسه شدند. نتایج در جدول ۳ آمده است:

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره برای مقایسه میانگین گروه دارای مشکل زناشویی با گروه عادی

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	درجه آزادی
جهت‌گیری مشارکتی	۰/۰۹	۱	۰/۰۹	۱/۰۰۲	۰/۹۷
خطا	۲۲۶۲/۳۸	۴۰	۵۶/۵۶	۵/۰۱	۰/۰۳
جهت‌گیری مبادله‌ای	۵۴/۸۶	۱	۵۴/۸۶	۰/۷۹	۰/۳۸
خطا	۴۳۸/۲۹	۴۰	۱۰/۹۶		
توقع	۶/۰۹	۱	۶/۰۹		
خطا	۳۱۰/۳۸	۴۰	۷/۷۶		

نتایج نشان می‌دهند، گروهی که مشکل زناشویی دارند با میانگین ۱۴ و انحراف استاندارد ۳/۱۱ نسبت به گروه فاقد مشکل زناشویی با میانگین ۱۱/۷۱ و انحراف استاندارد ۳/۴۹ به‌طور معناداری جهت‌گیری مبادله‌ای بالاتری دارند. گروه‌های مورد مقایسه از نظر جهت‌گیری مشارکتی و توقع تفاوت معناداری نداشتند.

پایایی مقیاس روابط جنسی با دو روش همسانی درونی، و اجرا با فاصله زمانی پانزده روزه بررسی شد. نتایج نشان دادند آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس جهت‌گیری مشارکتی ۰/۹۰، جهت‌گیری مبادله‌ای ۰/۹۱؛ و توقع ۰/۸۸ است. نتایج اجرا با فاصله زمانی در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: نتایج ضریب همبستگی اجرای مقیاس روابط جنسی با فاصله ۱۵ روزه

شاخص	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
جهت‌گیری مشارکتی	۳۰	۰/۹۲	<۰/۰۰۱
جهت‌گیری مبادله‌ای	۳۰	۰/۹۶	<۰/۰۰۱
توقع	۳۰	۰/۹۴	<۰/۰۰۱

نتایج نشان می‌دهند که در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ ضرایب همبستگی بالایی بین نتایج حاصل از دوبار اجرای مقیاس رابطه جنسی با فاصله زمانی ۱۵ روزه وجود دارد. نمرات استاندارد و شاخص‌های توصیفی زیرمقیاس‌های رابطه جنسی به تفکیک جنس در جداول ۵ و ۶ آمده است:

جدول ۵: نمرات استاندارد و شاخص‌های توصیفی زیرمقیاس‌های

رابطه جنسی بر حسب جنس

نمره خام						
نمره استاندارد Z	زن	جهت‌گیری مشارکتی		جهت‌گیری مبادله‌ای		توقع
		مرد	زن	مرد	زن	مرد
-۲/۵۰ تا -۲/۰۰	۱۹-۲۰	۱۰-۱۱		۴		۳
-۱/۵۰ تا -۱/۹۹	۲۱-۲۴	۱۲-۱۵	۴-۵	۵-۶	۳	۴-۵
-۱/۰۰ تا -۱/۴۹	۲۳-۲۸	۱۶-۲۰	۶-۷	۷-۸	۴-۶	۶
-۰/۵۰ تا -۰/۹۹	۲۹-۳۲	۲۱-۲۶	۸-۹	۹-۱۱	۷-۸	۷-۸
-۰/۰۱ تا -۰/۴۹	۳۳-۳۶	۲۷-۳۰	۱۰-۱۱	۱۲-۱۳	۹-۱۰	۹-۱۰
۰/۰۱ تا ۰/۴۹	۳۷-۴۱	۳۱-۳۵	۱۲-۱۳	۱۴-۱۵	۱۱-۱۲	۱۱
۰/۵۰ تا ۰/۹۹	۴۲-۴۵	۳۶-۴۰	۱۴-۱۵	۱۶	۱۳-۱۴	۱۲-۱۳
۱/۰۰ تا ۱/۴۹	۴۶-۴۹	۴۱-۴۵	۱۶-۱۷	۱۷-۱۹	۱۵	۱۴
۱/۵۰ تا ۱/۹۹	۵۰	۴۶-۵۰	۱۸-۱۹	۲۰		۱۵
۲/۰۰ تا ۲/۵۰		۱۰-۱۱	۲۰			

نتایج جدول نشان می‌دهد نمره کمتر از ۲۹ در زنان و کمتر از ۲۱ در مردان نشان‌دهنده دید مشارکتی کمتر به رابط جنسی با همسر است. نمره کمتر از ۸ در زنان و کمتر از ۹ در مردان نشان‌دهنده دید مبادله‌ای کمتر در رابط جنسی با همسر است، و نمره کمتر از ۷ در زنان و کمتر از ۶ در مردان نشان‌دهنده متوقع بودن کمتر در رابط جنسی با همسر است.

جدول ۶: شاخص‌های توصیفی زیرمقیاس‌های رابط جنسی بر حسب جنس

زیرمقیاس		توقع		جهت‌گیری مبادله‌ای		جهت‌گیری مشارکتی	
شاخص	جنس	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
میانگین		۱۰/۰۹	۱۰/۲۷	۱۳/۶۹	۱۱/۲۷	۳۰/۶۷	۳۶/۸۸
انحراف استاندارد		۳/۲۱	۳/۶۶	۴/۱۴	۴/۲۴	۹/۷۹	۸/۵۱
چولگی		-۰/۰۹	-۰/۲۹	-۰/۲۵	-۰/۱۰	-۰/۱۴	-۰/۱۱
کشیدگی		-۰/۹۶	-۱/۰۶	-۰/۶۶	-۰/۹۲	-۰/۹۱	-۱/۱۱

نتایج جدول نشان می‌دهند که در هر دو گروه زنان و مردان با توجه به مقدار چولگی توزیع نمرات تقریباً متقارن است. هرچند در گروه زنان توزیع متقارن نمرات مربوط به جهت‌گیری مشارکتی و توقع کشیدگی بیشتری دارد که نشان‌دهنده تنوع کمتر نمرات در گروه زنان است.

بحث

مقیاس ۲۴ ماده‌ای رابطه جنسی ارائه شده توسط هاگز و اسنل (۱۹۹۰) که برای سنجش جهت‌گیری مشارکتی و مبادله‌ای در روابط جنسی زنان و مردان است، به نحوی به زبان فارسی

برگردان شد که ضمن مفهوم بودن با فرهنگ ایرانی نیز متناسب باشد و پاسخ‌دهندگان با کمترین بازداری بتوانند به آن پاسخ دهند. نتایج پژوهش نشان داد، ۱۷ ماده از ۲۴ ماده مقیاس روابط جنسی بر روی سه عامل جهت‌گیری مشارکتی، جهت‌گیری مبادله‌ای و توقع جای می‌گیرند. دو زیرمقیاس جهت‌گیری مشارکتی و مبادله‌ای استخراج شده به لحاظ محتوایی با زیرمقیاس‌های عنوان شده توسط سازندگان مقیاس همخوانی دارد ولیکن در نمونه پژوهش حاضر به لحاظ ترکیب و تعداد ماده‌ها متفاوتند. در فرم اصلی مقیاس، ۸ ماده برای جهت‌گیری مشارکتی و ۸ ماده برای جهت‌گیری مبادله‌ای در نظر گرفته شده بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ۱۰ ماده بر روی عامل مربوط به جهت‌گیری مشارکتی و ۴ ماده از مقیاس بر روی عامل مربوط به جهت‌گیری مبادله‌ای قرار می‌گیرند که می‌تواند به دلیل برگردان مقیاس به فارسی باشد، ضمن این‌که بر اساس نظر متخصصان، ماده‌های جای گرفته در هر عامل به درستی نشان‌گر جهت‌گیری مربوطه هستند. در مقیاس اصلی، ۸ ماده وجود دارد که در هیچ‌یک از زیرمقیاس‌های دوگانه جای ندارند. در نمونه پژوهش حاضر عامل سومی که بر اساس مفهوم ماده‌های جای گرفته در آن عامل «توقع» نام‌گذاری شده به دست آمد. عامل جدید نشان‌دهنده متوقع بودن در رابطه جنسی است که به نوبه خود در پژوهش، بهداشت و درمان مسائل مربوط به رابطه جنسی قابل تأمل است. همبستگی بالا و معنادار جهت‌گیری مشارکتی با مقیاس و نیز عدم معناداری همبستگی جهت‌گیری مبادله‌ای و توقع با مقیاس رابطه جنسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های رضایت زناشویی نیز مؤید روایی توافقی مقیاس رابطه جنسی است و دلیلی بر صحت سازه اندازه‌گیری شده توسط این مقیاس است که با نتایج پژوهش‌هایی مانند رینود و بایرز (۱۹۹۷)؛ مک‌گاورن (۲۰۰۲)؛ حیدری و حسین‌پور (۱۳۸۵)؛ حیدری، مظاهری و پوراعتقاد (۱۳۸۴) مبنی بر رابطه جنسی و رضایت از آن با رضایت زناشویی و احساسات مثبت به همسر همخوانی دارد. میانگین بالاتر جهت‌گیری مبادله‌ای افراد دارای مشکلات زناشویی نسبت به افراد عادی نیز مؤید روایی مقیاس رابطه جنسی است. زیرا این‌گونه افراد احساس مسئولیت خاصی در مقابل رضایت و تأمین جنسی همسر خود نداشته و احساس نیاز ذاتی یا میل به هماهنگی برای برآورده ساختن تمنیات جنسی همسر خود ندارند و زمانی وارد روابط جنسی می‌شوند که خود از آن بهره ببرند. این‌گونه رفتارها موجب از بین رفتن فضای صمیمیت و عشق می‌شود و به مرور موجب عدم علاقه برای ارتباط خواهد شد و به تبع آن مشکلات دیگری در زندگی زوجین ایجاد می‌شود. نتایج بررسی‌های مربوط به همسانی درونی و پایایی نشان داد که هر سه زیرمقیاس رابطه جنسی از همسانی و ضریب پایایی بالایی برخوردارند. نتایج بدست آمده مؤید پایایی ذکر شده توسط هاگز و اسنل (۱۹۹۰) برای مقیاس رابطه جنسی است. هرچند استفاده از نمونه داوطلب که به دلیل محتوای سؤالات صورت گرفته است می‌تواند تهدیدکننده روایی بیرونی پژوهش باشد و محدود بودن نمونه به زوجین ساکن

در تهران و افرادی که تحصیلات آن‌ها حداقل در حد دوره راهنمایی تحصیلی است، تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌نماید.

مقیاس رابطه جنسی آماده شده برای جامعه ایرانی برای استفاده پژوهشی در حوزه خانواده و روابط زناشویی، امکان بررسی دیدگاه افراد در زمینه روابط جنسی را فراهم می‌نماید و می‌تواند افق جدیدی در این حوزه باز کند. زیرا اکثریت ابزارهای به کار برده شده در زمینه رابطه جنسی به زیربناهای عاطفی و شناختی مؤثر در رابطه جنسی نمی‌پردازند و صرفاً به جنبه‌های عینی و رضایت از این روابط می‌پردازند در حالی که پشتوانه‌های شناختی و عاطفی مؤثر در این روابط بیش از شکل ظاهری آن می‌توانند تبیین‌کننده پی‌آمدها و عوارض این روابط باشند و موجب عمق بخشیدن به پژوهش‌های مرتبط گردند. ضمن این که به کار بردن این مقیاس در مشاوره‌ها و بکارگیری نوع روش‌های درمانی در حوزه روابط زناشویی می‌تواند مفید باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Sexual relationship
2. Relationship satisfaction
3. Dennerstein
4. Exchange relationship orientation
5. Communal relationship orientation
6. Convergent validity
7. Reliability
8. ENRICH
9. Internal consistency
10. Kaiser Meyer Olkin masseur
11. Bartlett's test of sphericity
12. Demand

منابع

- حیدری، م.، و حسین‌پور، س. (۱۳۸۵). تأثیر نوبت‌کاری بر رضامندی زناشویی پرستاران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۸۳، ص ۵۴-۳۴۱.
- حیدری، م.، مظاهری، م. ع.، و پوراعتماد، ح. ر. (۱۳۸۴). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲، ۱۳۰-۱۲۱.
- خمسه‌ای، ا. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط میان رفتار جنسی و طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه از دانشجویان متأهل: مقایسه رفتار جنسی زنان و مردان در خانواده، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۸، ۳۳۹-۳۲۷.
- غدیری، م.، و فروتن، س. ک. (۱۳۸۷). اختلالات جنسی، عامل پنهان طلاق: ضرورت حضور پزشک آموزش‌دیده در ترکیب کارشناسان مراکز مشاوره خانواده. *فصلنامه خانواده‌پژوهی: ویژه‌نامه نقد و بررسی لایحه حمایت خانواده*، دوره چهارم، ۶۰۸-۵۸۵.

نوابی‌نژاد، ش. (۱۳۸۰). مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

- Barash, D. P., & Lipton, J. E. (2002). *Gender gap: The biology of male-female differences*. London: Transaction Publishers.
- Bird, G., & Melville, K. (1994). *Families and intimate relationships*. London: McGraw-Hill, Inc.
- Birnbaum, G. E., Reis, H. T., Mikulincer, M., Gillath, O., & Orpaz, A. (2006). When sex is more than just sex: Attachment orientations, sexual experience, and relationship quality. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91(5), 929-943.
- Clark, M. S., & Mills, J. (1979). Interpersonal attraction in exchange and communal relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 37, 12-24.
- Cohen, L. L., & Shotland, R. L. (1996). Timing of first sexual intercourse in a relationship: Expectations, experiences, and perceptions of others. *Journal of Sex Research*, 33 (4), 291-299.
- Delamater, J. (1987). Gender differences in sexual scenarios. In K. Kelley (Ed.), *Females, males, and sexuality: Theories and research* (pp. 127-139) Albany, NY: State University of New York Press.
- Hawton, K. (1985). *Sex therapy: A practical guide*. New York: Oxford University Press.
- Hughes, T., & Snell, W. E., Jr. (1990). Communal and exchange approaches to sexual relations. *Annals of Sex Research*, 3, 149-163.
- Johnson, M. P. (1999). Personal, moral, and structural commitment to relationships: Experiences of choice and constraint. In W. H. Jones & J. M. Adams (Eds.), *Handbook of interpersonal commitment and relationship stability* (pp. 73-87). New York: Kluwer Academic-Plenum Press.
- Laumann, E. O., Gagnon, G. H., Michael, R. T., & Michaels, S. (1994). *The social organization of sexuality: Sexual practices in the United States*. Chicago: University of Chicago Press.
- Laumann, E. O., Paik, A., Glasser, D. B., Kang, J. H., Wang, T., Levinson, B., et al. (2006). A cross-national study of subjective sexual well-being among older women and men: Findings from the global study of sexual attitudes and behaviors. *Archives of Sexual Behavior*, 35, 145-161.
- Masters, W. H., Johnson, V. E., & Kolodny, R. C. (1995). *Human sexuality*. Boston: Longman.
- Mc Govern, J. M., & Meyers, S. A. (2002). Relationship between sexual attitudes, division of household task and marital adjustment. *Contemporary Family therapy: An International journal*, 24(3), 214-226.
- Olson, D. H., Fournier, D. G., & Druckman, J. M. (1982). ENRICH: Enriching & nurturing relationship issues, communication & happiness. *Family Social Science*, University of Minnesota
- Patton, D., & Waring, E. M. (1985). Sex and marital intimacy. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 11(3), 176-184.
- Rahmani, A., Merghati Khoei, E., & Alah Gholi, L. (2010). Sexual satisfaction and its relation to marital happiness in Iranians. *Iranian Journal of Public Health*, 38(4), 77-82.

- Renaud, C., & Byers, E. S. (1997). Sexual and relationship satisfaction in Mainland China. *Journal of Sex Research, 34*(4), 67-79.
- Schachner, D. A., & Shaver, P. R. (2004). Attachment dimensions and sexual motives. *Personal Relationships, 11*(2), 179-195.
- Southern, S. (1999). Facilitating sexual health: Intimacy enhancement techniques for sexual dysfunction. *Journal of Mental Health Counseling, 21*, 15-33.
- Trudel, G. (2002). Sexuality and marital life. *Journal of Sex and Marital Therapy, 28*(3), 229-238.